

نقد معرفت به «خودی» و «دیگری» در حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی (رویکرد تحلیل گفتمانی)

امیر اعتمادی بزرگ*

مصطفی رضایی حسین‌آبادی**، علی پاشا غفاری***

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی چگونگی معرفت به «خودی» و «دیگری» در سفرنامه حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی با تأکید بر عوامل زبانی (نحوه کاربرد زبان گفتار و نوشتار) و عوامل فرازبانی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی) است. سوالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که عوامل زبانی، فرازبانی و نهادی وابسته به قدرت، تا چه میزان بر معرفت به خودی و دیگری در نگارش حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی موثر بوده‌اند؟ یافته‌ها که با استناد به مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع مقاله، به روش توصیفی و به‌کارگیری نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف به‌دست آمده است، نشان می‌دهد؛ میرزا ابوالحسن خان از دو زبان رسمی دربار یا «زبان خودآگاه» و گفتار و اعتقادات عامیانه در «ناخودآگاه» برای توصیف و تبیین خودی و دیگری در حیرت‌نامه استفاده کرده است. ایلچی در مقام یک کارگزار حکومتی با برخورداری از موقعیت نهادی، ایستایی و پویایی در سنت و مدرنیته

* دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، etemadi@ihcs.ac.ir

** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

Mu.rezaee@gmail.com

*** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

ghaffari.pasha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

را با توجه به عوامل فرازبانی مد نظر قرار داده است و تفسیر و تبیین دوگانه‌ای از خودی و دیگری ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، معرفت، ابوالحسن خان ایلچی، حیرت‌نامه، سنت، مدرنیته.

۱. مقدمه

بررسی سفرنامه‌های اوایل حکومت قاجار نشان می‌دهد که در این مقطع زمانی، دو مولفه سنت و مدرنیته به نوعی سرنوشت مردم ایران را به خود مشغول ساخته است. وضعیتی که نه با سنت فکری و تاریخی مردم هم‌خوانی داشت و نه توانایی ساخت نوع جدیدی از سیاست‌ورزی و زندگی جمعی را برمی‌تابید. قدرت حاکم در این مقطع زمانی به زور شمشیر و دلایل مشروعیت‌بخش که ریشه در اندیشه‌های جدید داشت، تلاش می‌کرد با فرستادن سفرای خود به اقصی نقاط جهان، بنیانی جدید از زندگی سیاسی و اجتماعی برای دولت و مردم ایران فراهم آورد. در این لحظه تاریخی یعنی دوره حکومت فتحعلی‌شاه (۱۱۷۷-۱۲۱۳ ه.ش)، بنیان‌های فکری و ایدئولوژیک سیاست و اجتماع جدیدی تحت عنوان «ایران در راه مدرنیزاسیون» شکل گرفت که الگوی معرفت به خود و دیگری را برای آیندگان فراهم آورد. از جمله متونی که چگونگی شناخت خودی و دیگری در این مقطع زمانی را نمایان می‌سازد، حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی است.

حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی در بین سفرنامه‌های داخلی و خارجی این مقطع تاریخی از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که

سفرنامه در فضای ذهنی و انتزاعی نویسنده نگاشته نمی‌شود و نه اینکه فقط متضمن بیان وقایع و گزارش از اتفاقات روزمره هستند. بلکه سفرنامه حاصل تضارب دریافت و مشاهده واقعیت و تحلیل علت وقایع و رخدادها در ذهن و بیان مطلب برای مخاطب جهت درک موضوع خاصی است. (فراگنر، ۱۳۷۷: ۱۴)

این تعریف گویای آن است که انتخاب موضوع حاضر و نوع بیان آن با توجه به موقعیت نهادی نویسنده در حیرت‌نامه، وابسته به نوع زبان، آگاهی‌های پیشینی، و یافته‌های عینی زمانه او بوده، که تاکنون قرائت‌ها و تفاسیر متعدد و گاهی خطی و تک‌علیتی از یک موضوع را در بین منتقدان و محققان حیرت‌نامه، به‌وجود آورده است.

آنچه در بازخوانی حیرت‌نامه ضروری به نظر می‌رسد، توجه به «سیالیت» معنای متن در مقاطع مختلف زمانی است. به عبارت دیگر، برداشت‌هایی که تاکنون از سفرنامه‌های ایلچی صورت گرفته، تاریخ مصرف خود را از دست داده و لازم است تا حیرت‌نامه همانند دیگر متون تاریخی با نقد جدی و البته روش‌مند، بازخوانی شود، زیرا زبان متن و زبان گفتار همیشه یک معنای خاص را تداعی نمی‌کنند؛ یعنی کلمه، جمله، و حتی متن بر یک عامل و معنا تأکید ندارند. «بلکه معنا سیال و معطوف به موقعیت زمانی و مکانی و در ارتباط مستقیم با قدرت است.» (نژاد ایران، ۱۳۹۴: ۹۸) سوالی که در این جا مطرح می‌شود آن است که عوامل زبانی، فرازبانی، و نهادی وابسته به قدرت، تا چه میزان بر معرفت به خودی و دیگری در نگارش حیرت‌نامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی موثر بوده‌اند؟

۲. پیشینه و نوآوری پژوهش

در اکثر مطالعات تاریخی و انتقادی درباره دوره قاجار، به سفرنامه‌های ایلچی و انگیزه نویسنده آن اشاراتی شده است. به عنوان مثال، اسماعیل راین در کتاب *میرزا ابوالحسن خان ایلچی (۱۳۵۷)*، ایلچی و آثار او را مقدمه وابستگی ایران به غرب می‌داند. مهدی بامداد در کتاب *شرح حال رجال ایران (۱۳۶۲)*، زندگی‌نامه و عملکرد سیاسی میرزا ابوالحسن خان را به رشته تحریر درآورده است. همچنین منصور رستگار فسایی در کتاب *فارسنامه ناصری*، به زندگی‌نامه و تعلق خانوادگی و کنش‌گری سیاسی ایلچی پرداخته و اشاره کوتاهی به سفرنامه‌های ایلچی داشته است. عبدالهادی حائری یزدی در کتاب *نخستین رویاروی‌های اندیشه‌گران ایرانی با تمدن غرب (۱۳۷۲)*، با نگاهی عمیق، مواجهه ایلچی با تمدن غرب را دوسویه و از منظر قضاوت دیده است. جواد طباطبایی در کتاب *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران (۱۳۸۶)*، افق فکری میرزا ابوالحسن خان و عبداللطیف شوشتری را برداشت سنتی از جهان مدرن می‌پندارد.

مریم پروین در مقاله «غرب از دیدگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی» (۱۳۸۹)، سفرنامه‌های ایلچی را ذیل اولین برداشت‌های ظاهرگرایانه ایرانیان از غرب به تصویر می‌کشد. سارا جمشیدصفا در پایان‌نامه خود با عنوان «مطالعه تطبیقی سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی و جیمز موریه» (۱۳۹۴) سعی داشته است تا با طرح نگاه انتقادی موریه به ایران، برداشت ایلچی از غرب را بدون تأمل و ظاهری نشان دهد. دنیس رایت نویسنده کتاب *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها (۱۳۹۹)*، با اشاره به سفر میرزا ابوالحسن خان به انگلیس، به این نکته

اشاره دارد که ایلچی مدرنیته را فقط در ابزار و ظاهر قانون آن می‌شناسد و درکی از بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی آن ندارد. بررسی این آثار نشان می‌دهد که هر کدام به نوع خود از نوآوری برخوردارند؛ اما مشکل اکثر آن‌ها از نگاه خطی و تک‌علیتی به سفرنامه‌های ایلچی نشأت می‌گیرد. در حالی که مطالعه متن، علاوه بر توصیف و تصویر ظاهری متن، توجه به عناصر زبانی و فرازبانی، زمان، و مکان را می‌طلبد؛ بنابراین مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی سه‌وجهی به یک متن تاریخی، از سطح توصیفات تاریخی و ادبی گذر کرده است که در بیش‌تر تحقیقات و پژوهش‌های معاصر متداول است.

در سطح «توصیف»، به این مهم اشاره دارد که نگارش حیرت‌نامه بر حسب علاقه شخصی نگاشته نشده، بلکه در رابطه با قدرت، ایدئولوژی، و زبان صورت گرفته است. در این سطح، نگارندگان نشان خواهند داد که چگونه در خیال‌پردازی‌های نویسنده، شک به معرفت خودی شکل گرفته است؛ گرچه به قضاوت ایلچی این شک در مورد خودی و دیگری، بر مبنای اندیشه سنتی ایجاد شده است. نوآوری دیگر در سطح توصیف آن‌که ایلچی توانسته در وصف وقایع و رخدادها، مابه‌ازای سنتی برای توضیح مدرنیته پیدا کند و لاجرم مجبور به استفاده از واژگان مدرن در متن شده است.

در سطح «تفسیر»، نوآوری مقاله حاضر توجه به ضرورت وجود واسطه‌های سنت و مدرنیته از جمله دولت، مجلس، نهادهای مالی و نظامی است. نوآوری دیگر، توجه به دیدگاه تفسیری ایلچی در زمینه چگونگی برخورد قدرت مطلق و قدرت مشروط در مجلس اعیان و مجلس عوام انگلستان است که این مهم از طریق قانون صورت می‌گیرد. نکته نوآورانه دیگر مقاله، توجه به چگونگی نزاع‌های گفتمانی خودی و دیگری است. در گفتمان «خودی»، زبان کاربرد گفت‌وگویی ندارد و متکلم وحده است؛ اما در گفتمان «دیگری» زبان به واسطه گفت‌وگو بین فرد و نهاد تبدیل شده است.

در سطح «تبیین»، نگرش کل‌گرایانه ایلچی به سیاست، اجتماع و طبیعت مورد توجه قرار گرفته است. نوآوری دیگر، توجه به چگونگی تأسیس نهادهای مدرن در گفتمان سنتی است. ایلچی در اینجا ضرورت آموزش جامعه را مطرح می‌کند. بحثی که تا پایان دولت قاجار موجب شکاف بین روشنفکران شد که اول آموزش باشد یا نهادهای مدرن؛ نگرش سه‌وجهی به چگونگی برخورد گفتمان سنتی و مدرن بر اساس مولفه‌های چون حاکمیت، دانش و نهاد را می‌توان دیگر نوآوری مقاله حاضر در سطح تبیین دانست.

۳. روش‌شناسی

امروز در بیش‌تر تحقیقات کیفی، بر ضرورت وجود روش و به‌کارگیری آن تأکید شده است. لذا در این مقاله، بررسی معرفت در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین بدون استفاده از یک روش کارآمد چون تحلیل گفتمان انتقادی امکان‌پذیر نخواهد بود. روش تحلیل گفتمان، روشی بین‌رشته‌ای است. در این مقاله سعی شده است که چستی معرفت و چگونگی آن باتوجه به متن حیرت‌نامه، و شرایط زمانی و مکانی نویسنده مطالعه شود. تحقیق حاضر صرفاً از نوع خطی و تاریخی و یا مقایسه‌ای نیست؛ پژوهشی تحلیلی-انتقادی است.

از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، شناخت یا معرفت در خلصه اتفاق نمی‌افتد. این زبان و فرا زبان است که با کارکردها و عناصر خاص خود، به فرد امکان آگاهی‌یابی و آگاهی‌بخشی می‌دهد. (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۴) گستره روش تحلیل گفتمان برای تحلیل متن، روش‌های مختلفی را به خدمت می‌گیرد؛ از نشانه‌شناسی و هرمنوتیک گرفته تا سیاست. (ایران‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹۳) به همین دلیل استفاده کاربردی از نظریه گفتمان، ضرورتاً تحلیل‌گر را به انتخاب یکی از رویکردهای آن ملزم می‌سازد. در این مقاله سعی شده است که رویکرد نورمن فرکلاف به‌کار گرفته شود. فرکلاف گرچه از پیش‌تر متفکران تحلیل گفتمان تأثیر پذیرفته است اما استفاده از نظریات میشل فوکو در بحث چگونگی تولید نظم گفتمانی و نظریه هژمونی گرامشی در موضوع تثبیت گفتمان اساس کار او را بنیان می‌دهد. (ناصری و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰)

۴. مبانی و چهارچوب نظری

فرکلاف با تمرکز بر دیالکتیک قدرت و ایدئولوژی، به این مهم اشاره دارد که زبان در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین در تعامل با عناصر فرازبانی گونه‌ای خاص از معرفت را تولید می‌کند. او با تمرکز بر جایگاه نهادی فرد و نسبت او با عناصر فرازبانی چون فرهنگ، سیاست، اقتصاد، و اجتماع، فرد را به استفاده از کلمات و نوع جمله‌بندی‌ها و متون خاصی ملزم می‌داند که منجر به نوعی برساخت معرفت می‌شود که متمایز از دیگر شناخت‌ها درقبال یک موضوع است. بنابراین مشاهده می‌شود که رویکرد فرکلاف در پی نسبت‌سنجی معرفت حاصل از تعامل قدرت، زبان، و ایدئولوژی است. (میلز، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

برای درک گفتمان حاکم بر متن در رویکرد فرکلاف، باید از محدوده نوشتار، مضمون، و هدف نویسنده و متن خارج شد و به شرایط «بینامتن یعنی عوامل فرازبانی چون اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد» (ایران‌نژاد، ۱۳۹۴: ۹۵) توجه داشت تا بتوان به منظور و معنای نویسنده و متن نزدیک شد. در واقع فرکلاف با تمایز بین ساختار خرد زبانی و ساختار کلان اجتماعی و ایدئولوژیک، و نیز تمرکز بر چگونگی دیالکتیک بین آن‌ها، معرفت و فهم حاصل از متن را امری مرتبط با زمان و مکان خواننده می‌انگارد. لذا می‌توان گفت که در رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف، کسب معرفت از متن امری نسبی و سیال است. بر این اساس در ادامه تلاش می‌شود که از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین، چگونگی معرفت به خودی و دیگری در سفرنامه‌های میرزا حسن خان ایلچی تحلیل شود.

۵. ابوالحسن خان ایلچی

میرزا ابوالحسن خان ایلچی (۱۱۹۰-۱۲۶۲ ه.ق) از جمله اولین سفرای ایرانی به انگلستان، اروپا و روسیه بود. ایلچی، پسر دوم میرزا محمدعلی از منشیان دربار نادرشاه افشار و خواهرزاده حاج ابراهیم خان کلاتر، صدراعظم معروف زندیه و ابتدای قاجاریه، بود. ایلچی که از تفقد فتحعلی‌شاه نسبت به بازماندگان خانواده کلاتر برخوردار شد و سمت اولین سفیر ایران در لندن را پذیرفت به همراه سر هارفورد جونز، وابسته سیاسی انگلستان، و جیمز موریه، منشی نمایندگی دولت انگلیس در ایران، به بریتانیا سفر کرد. (رستگار فسایی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۷۰۰) هدف فتحعلی‌شاه از سفارت ابوالحسن خان، وساطت بریتانیا در موضوع جنگ‌های ایران و روسیه، دریافت کمک مالی و نظامی، و فرستادن سفیر دائم به ایران بود. (بامداد، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۶)

میرزا ابوالحسن خان از جمله اولین سیاستمداران ایرانی است که سفرنامه‌ها و کارنامه سیاسی‌اش همواره ابزاری برای حملات ایدئولوژیک علیه او شده است. عضویت در لژ فراماسونری، دریافت حقوق از دولت انگلستان، فقدان تدبیر در انعقاد معاهده گلستان، زنباره و سادگی در فهم تحولات زمانه، پرتکرارترین اتهاماتی است که علیه ابوالحسن خان، در اکثر متون انتقادی روشن‌فکری و غیر روشن‌فکری تاکنون وارد شده است. (رائین، ۱۳۵۷: ۸۹؛ یآوری، ۱۳۷۲: ۳۳۵) بررسی گزارشات پیرامون زندگی و آثار ایلچی از جمله سفرنامه حیرت‌نامه نشان می‌دهد که کم‌تر گزارشی توانسته است، زندگی‌نامه و اندیشه و

تدبیر سیاسی ابوالحسن خان ایلچی را به صورت مستقل و فراغت از شرایط زمانه نویسنده مطالعه کند.

ابوالحسن خان ایلچی، وقایع و رخدادها و مناظری را که در سفر اول (۱۲۲۴-۱۲۲۵ ه.ق) به بریتانیا مشاهده کرده، در قالب *حیرت‌نامه* نگاشته و به چاپ رسانده است. او همانند دیگر ایرانیانی که با مظاهر مختلف غرب آشنا شده بودند، در بهت و حیرت به چستی غرب پرداخته است و با اشاره به عجایب زندگی مدرن، خوانندگان سفرنامه را در مقام تعجب می‌انگارد و به این دلیل نام سفرنامه‌اش را *حیرت‌نامه* می‌گذارد:

واقعات غریبه و گزارشات اتفاقیه بحر و بر مذکور را که به دیده خود دیده و دریافت نموده‌ام از تاریخ حرکت از دارالخلافه طهران به طریق روزنامه‌چیه ثبت نموده، شاید جویندگان این طریق را من بعد به کار آید. نظر به اینکه غرایب بسیار و بدایع بیشمار ملاحظه و در این دفتر ثبت افتاده بود. البته سامعین و مطالعه‌کنندگان این اوراق را تعجب و تحیری بی‌اندازه دست می‌داد. لهذا این رساله را *حیرت‌نامه* سفرنامه موسوم گردانید. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۴۸)

حسن مرسل‌وند، *حیرت‌نامه* را در سال ۱۳۶۴ مشتمل بر سه فصل منتشر کرد. فصل اول کتاب در یازده بخش، روایت چگونگی حرکت ابوالحسن خان از تهران و رسیدن او به استانبول و ادامه سفر با کشتی است. بیش‌تر وقایع‌نگاری این فصل شامل رخدادهای حین سفر و نوع زندگی مردم و مصائب راه است. فصل دوم، ورود نویسنده به انگلستان، شرح ملاقات‌ها، بیان مشاهدات از وضعیت جامعه، سیاست و فرهنگ انگلستان، صنعت و فنون علمی را از نظر می‌گذراند. فصل سوم ذیل یک مبحث، خروج نویسنده از انگلستان تا ورود او به برزیل را روایت می‌کند که البته حوادث بعد از آن نیامده است. این سفرنامه به دلیل بیان جزئیات واقعی سفر و آرزوهای نویسنده، از اهمیت زیادی برای شناخت فهم نخبگان ابتدای قاجار از خود و دیگری برخوردار است. *حیرت‌نامه* خلاف *دلیل‌السفر* اثر منشی او، محمد هادی علوی، به قلم شخص ابوالحسن خان ایلچی است. بنابراین در ادامه متوجه خواهیم شد که ایلچی چه برداشتی از خودی و دیگری ذیل *حیرت‌نامه* داشته است.

۶. خودی و دیگری در حیرت‌نامه

ابوالحسن‌خان ایلچی در کل چه شناختی از خود و دیگری به‌عنوان جامعه و سیاست ایران و غرب در طول سفر به انگلستان دارد؟ پاسخ‌های ابوالحسن‌خان در سه سطح توصیف ظواهر، تفسیر یا حیرت از تغییرات، و تبیین یا قضاوت و انتخاب مطرح می‌شود. به‌عبارت دیگر ابوالحسن‌خان، هنگام مواجهه با خود در قالب جامعه و سیاست ایران آن زمان و دیگری در قالب غرب، بر اساس درک و فهمی که در لحظه تاریخی برای او رخ می‌دهد؛ مسائل را می‌شناسد، سوال مطرح می‌کند، و پاسخ می‌دهد. نکته مهم در مورد مطالعات انجام شده بر روی سفرنامه‌های میرزا ابوالحسن‌خان آن است که بیش‌تر این پژوهش‌ها، در سطح توصیف، انتخابی، و بدون توجه به متن و زمینه صورت گرفته است. در صورتی‌که متن حیرت‌نامه سه سطح معرفتی را در مواجهه با خود و دیگری، حول مفاهیم مهمی چون هویت ملی، پادشاه و قانون و حاکمیت، و رعایا در ارتباط با یکدیگر نشان می‌دهد.

۱.۶ سطح توصیف

در الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف «توصیف پیش‌فرض تفسیر و تبیین است و ویژگی‌های صوری متن که دارای ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی هستند، مد نظر منتقد قرار می‌گیرد.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹: ۷) در مرحله توصیف با مطالعه سفرنامه‌های ایلچی چه شناختی از متن در چارچوب بافت متن بدون توجه به عناصر فرازبانی در ارتباط منطقی میان کلمات، هم‌نشینی و هم‌آوایی واژگان بدست می‌آید؟ مطالعه حیرت‌نامه نشان می‌دهد که نشانه‌های ملیت، پیشرفت، عقب‌ماندگی، قانون و رعیت معنای خود را از دال مرکزی پادشاه می‌یابند. «نشانه‌های برتر یا دال مرکزی نشانه‌های هستند که با پذیرفتن معنا در ارتباط با دال مرکزی، یک معنای خاصی را برای خواننده تداعی می‌کنند.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۷۸) نشانه‌های قدرت، ایدئولوژی، شاه، قانون و رعیت چه معرفتی را در حیرت‌نامه ایلچی در سطح توصیف پدیدار می‌سازند؟

۱.۱.۶ نسبت قدرت و ایدئولوژی

تا پیش از مواجهه ایران و مدرنیته در جریان جنگ‌های ایران و روس، تعریف از قدرت و ایدئولوژی یا ملیت و کیستی در ادبیات سیاسی کارگزاران سیاسی و اجتماعی؛ ذیل خود تاریخی و سنتی و اسطوره‌ای و بر مبنای بنیان‌های ظل‌الهی و نژادی و قبیلگی

تعریف می‌شد. در این توصیف، پادشاه و قومیت به‌همراه ایدئولوژی سنتی و مذهبی مشروعیت‌بخش قدرت بود. به‌عنوان مثال، رضا قلی خان هدایت در *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، ملیت و مملکت ایران، روس، چین و ماچین را موهبت الهی می‌داند که به شخص شاه و قوم ترک واگذار شده است: «خداوند جهان‌بان جهان‌بخش را شکر سزد که ممالک ایران و روس و چین و ماچین، روم، ختا و ختن و هندوستان را به دودمان بزرگ اتراک موهبت فرمود.» (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۹: ۷۳۹۸) این تعریف سنتی از نسبت قدرت و ایدئولوژی را ایلچی چگونه در حیرت‌نامه بازنمایی کرده است؟

ایلچی در شروع سفر و برای ذکر دلایل آن، در ارتباط با قدرت و ایدئولوژی، از کلمات و واژگان کهنه و سنتی استفاده می‌کند؛ گویی از چیستی و چگونگی جهان مدرن خبر ندارد که قرار است بر او ظاهر شود. کلمات و واژگانی که او در نسبت بین قدرت و ایدئولوژی به‌کار می‌برد، همه در ادبیات سنتی متداول هستند. واژگانی چون «ممالک محروسه»، «ظل‌الله»، «بارگاه»، «بحر و خشکی»، «ینگه دنیا»، «مداخل»، «دارلخلافه»، «عمارت»، «دارالسلطنه»، «قلعه»، «ملک»، «قریه» و دیگر واژگان هم‌معنی به‌کار رفته در *حیرت‌نامه*، به‌ویژه واژگان کاربردی در فصل اول، نشان می‌دهند که ذهن و زبان نویسنده ذیل تاریخ و اندیشه سنتی «ظل‌اللهی» قرار دارد. این‌گونه بیان حتی در ارتباط بخشیدن بین جملات و پارگراف‌ها به‌خوبی قابل مشاهده است.

۲.۱.۶ معرفت به خود

ایلچی درباره چگونگی معرفت به ایران و قوانین آن می‌نویسد: «گفتند که این قانون بدیع در ایران، از شاه‌زاده عالمیان است و ما در هیچ ملک ندیده بلکه شنیده‌ایم» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۵۳) ایلچی مطابق اندیشه و نظام تربیتی سنتی، که بیش‌تر خیال‌پردازانه و شاعرانه است همانند حماسه‌های تاریخی و اسطوره‌ای، ایران و شاه آن‌را سرآمد قدرت در جهان می‌شناسد؛ «چنان‌که فرنگان کمال رضامندی، از شیوه و نظم مملکت‌داری و لشکرآرایی شاه‌زاده اعظم به‌هم رسانیده، آفرین‌ها گفتند.» (همان، ۵۵) ایلچی با استفاده از چنین جملاتی، روح اندیشه ایدئولوژی و نسبت آن با حاکمیت سنتی را در *حیرت‌نامه* حفظ می‌کند و انتظار دارد خواننده با پذیرفتن تفکر سنتی، دیگر اندیشه‌ها از جمله مدرنیته را با آن بسنجد.

اما با ورود ایلچی به عثمانی، کشورهای اروپایی، و انگلستان، شک و تردید در باورهای او نسبت به خودی رخ می‌دهد: «اشراف و اعیان استانبول به اتفاق گروهی مختلف از

اصناف بلده مذکور، که فهم خُرد از شماره آن عاجز است، فوج فوج با لباس‌های غریب و عجیب و وضع‌های مختلف که دیده از دیدن ایشان متحیر بود.» (همان، ۷۵) وجود اصناف، کالاهای مدرن، آبادانی شهرها، مشورت بزرگان در کار مملکت، طول و عرض جغرافیایی و دیگر موارد از جمله عوامل موثر بر شک ایلچی به شناخت از خود و دیگری به‌شمار می‌رود.

ایلچی پس از تردید، ابتدا از فهم خُرد خود و عجایب شوکت و لشکر عثمانی و غرب؛ سپس از رضایت مردم و درباریان و توصیف اروپا سخن می‌گوید. در این هنگام کلمات و واژگان جدید وارد متن می‌شود؛ به‌عنوان مثال تا پیش از ورود به عثمانی و اروپا از فرسنگ برای بیان فاصله مکانی استفاده می‌کرد، ولی با آشنا شدن با اصطلاح «مایل»، آنرا وارد متن می‌کند.

۳.۱.۶ معرفت به دیگری

شناخت ایلچی از دیگری هم‌چون معرفت به خود، امری مستمر و مشروط به زمان و مکان است. ایلچی تا پیش از خارج شدن از ایران، دیگری یا غرب را اجنبی و بیگانه می‌بیند. او با شناخت سستی از دیگری یا همان اجنبی و ینگه دنیا، در ۱۲۲۴ هجری قمری به همراه جیمز موریه، تهران را ترک می‌کند و شش ماه بعد به انگلستان می‌رسد. از نظر او بیگانه کسی است که در ایران به زبان فارسی تسلط کامل دارد و در هر امری از سیاست و حکمرانی صاحب فکر است تا جایی که می‌توان او را «صاحب‌گردن» (همان، ۱۳۰) نامید.

ایلچی با گذر از عثمانی، تعلق فکری به روش حکمرانی و اجتماع‌داری عثمانی‌ها پیدا می‌کند: «از شهر و قصبه الی کور از میر که خاک اوست به سبب تعمیر او آبادان و اهل آن بلاد از قراعثمان اوغلی و اهل بلاد چوپان اوغلی از مشارالیهما، کمال رضامندی دارند.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۸۸) و در لندن از آداب و رسوم، پیشرفت علم، جنگل و زنان آفتاب‌طلعت، سه چهره از دیگری را به تصویر می‌کشد:

شاه‌زادگان عظیم‌الشان و وزرا و امرا و بزرگان به این مهربانی، نسبت به‌هم با زنان آفتاب‌طلعتان ایشان به این کوچک‌دلی و بی‌ساختگی دست هم را گرفته در سماع رود و سرود کامرانی کنند و غم روزگار از دل بیدلان زدایند. کاش این شیوه اعیان و اشراف‌انگیز در مملکت ما نیز متداول می‌گشت. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۵۱)

نگاه سنتی ایلچی به نظام فکری حاکم بر کشور خود که حاصل پیوند شمشیر و سنت بود، در اثر جلوه‌های عمران و آبادانی عثمانی، اروپا و انگلستان و نحوه اداره آن‌ها با چالش جدی روبه‌رو می‌شود. او در مقابل آینه سنت خودی، مدرنیته و نظام سیاسی دیگری می‌بیند. اهمیت «نظام اداری، مالی، تجاری، رعایت آداب و رسوم، اخلاق کاربردی و دیگر موارد از این دست می‌باشد. لذا در عین تعجب و تردید آرزو می‌کند که ای کاش شیوه اعیان و اشراف و البته نه شاه ایران همانند دولت انگلستان بود.» (← حائری، ۱۳۶۷: ۲۸۰) ایلچی نظام جدید را وابسته به درایت پادشاه نمی‌داند، بلکه با پذیرفتن شاه به‌عنوان معنادهنده همه امور سیاسی و اجتماعی تلاش دارد با اقتباس از فرمان‌برداری اعیان در قبال ملکه انگلیس، الگوی جدیدی از رفتار بزرگان را برای گفتمان مدرنیزاسیون ایرانی تعریف کند.

۴.۱.۶ پادشاه

در سفرنامه‌های ابوالحسن خان دال مرکزی شخص شاه است که به آسمان و زمین و سیاست و اجتماع معنا می‌دهد. این برداشت ایلچی از کلمه «شاه» به پشتوانه اهمیت تجربی و بینامتنی شخص شاه در گفتمان سنتی اشاره دارد. به گفته فرکلاف «ارزش تجربی، سرنخی از روش به‌دست می‌دهد که در آن تجربه تولیدکننده متن از جهان تجربی یا اجتماعی بازنمایی می‌شود.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲) می‌توان گفت ایلچی با چنین برداشتی از نقش شاه در زندگی و اجتماع ایرانیان، جایگاه و مرتبه او را در حیرت‌نامه خود توصیف می‌کند. این نوع وصف را می‌توان در سفرنامه‌های خارجی از جمله سفرنامه جونز نیز مشاهده کرد: «شاه آن‌قدر خود را غرق جواهر کرده بود که از دور هم‌چون شعاعی از خورشید می‌درخشید و برق جواهرات وی چشمان همگان را خیره می‌کرد.» (جونز، ۱۳۸۶: ۲۵۳)

اما معرفت به پادشاه از ابتدا تا انتهای حیرت‌نامه چگونه توصیف می‌شود؟ شاه در آغاز حیرت‌نامه جانشین خدا و ایلچی بنده سراپا تقصیر است؛ «حقیر سراتاپا تقصیر، به مقتضای آبش‌خور امر قدر قدرت پادشاه گردون بارگاه، فریدون حشمت، دارا درایت، جم‌جاه ظل‌الله، خدیو جهان، حسرو نامدار... الونصر والفتح فتحعلی‌شاه قاجار، سفارت مملکت فرنگ از راه روم اتفاق افتاد.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۴۷) سیاست‌ورزی شاه «نظر به استعداد و قابلیت ذاتی» است. (ایلچی، ۱۳۶۴، ۱۴) و مردم و خدمت‌گزاران نقشی جز قربانی شدن در

پیشگاه شاه ندارند «خدا جان و مال و عیال ما را به تصدق خاک پای جواهر آسای حضرت اشرف رساند.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۶۷)

توصیف ایلچی از شخص شاه در ابتدای سفرنامه، حضور ذهنی و عینی فتحعلی شاه را در سراسر متن حیرت‌نامه بر ذهن نویسنده و مخاطب نمایان می‌سازد. شخص سفیر نیز نه در برابر مردم و یا منافع ملی که بیش‌تر مسئول برآوردن منویات شاهانه است. او در حیرت‌نامه با ستایش شاه، نقش قانون‌گذاری و اجرای آن را متوجه امر ذاتی ظل‌الله می‌داند. این مهم نشان می‌دهد که در سطح توصیف، سیر و سیاحت ایلچی در انگلستان و روسیه هیچ تردیدی در نگرش تاریخی و تجربی او نسبت به شخص شاه به‌وجود نیاورده است؛ بلکه از خودکم‌بینی شخصی چون ایلچی در برآورده کردن سفارش‌های شاه می‌توان به وجود چنین نگاهی در بزرگان و رعایا آن زمان پی برد.

۵.۱.۶ قانون

مجموعه دستورالعمل‌هایی که به‌عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می‌کند را قانون گویند. اما قانون در معنای مدرن، همان قانون اساسی یک کشور است که منبع اصلی مشروعیت عملکرد حکومت و تنظیم‌کننده روابط سیاست با اجتماع است؛ «ویژگی اصلی قانون در معنای مدرن مشروط شدن قدرت در تمام ابعاد آن به رعایت و اجرای قرارداد اجتماعی بین مردم و حکومت است.» (مرکز مال‌میری، ۱۳۸۵: ۲۱) تا پیش از آشنایی ایران با مدرنیته، مفهوم سنتی قانون نسبت بین سیاست و حکومت را مشخص می‌ساخت. منبع اصلی این قانون «دین و اوامر شاهانه» بود. (طحان و نظیف، ۱۳۹۶: ۵۶)

نکته قابل تأمل دیگر در رابطه با مفهوم قانون در ایران چگونگی «حاکمیت قانون» است. تا پیش از ورود مدرنیته منبع قانون و اجرای آن دربار و شخص شاه بودند اما از آن‌جا که «قانون هسته بنیادین نظم و نظام حقوقی مدرن است، ورود این مفهوم به ساحت اندیشه ایرانی موجب طرح نظرگاه‌های متعدد و متناقضی حول آن شد؛ نظرگاه‌هایی که به‌نوبه خود برخاسته از نحوه مواجهه با پدیده تجدد بود.» (طحان و نظیف، ۱۳۹۶: ۵۷) سوالی که در این رابطه مطرح می‌شود آن است که ابوالحسن خان ایلچی چه برداشت و فهمی از قانون دارد؟ از آن‌جا که ایلچی در قالب ایدئولوژی ظل‌الهی می‌اندیشد، قانون را شخص شاه می‌دانست؛

الحمد لله اهل ایران از فرط الطاف اعلی حضرت شاهی و از سطوت حضرت ظل‌اللهی رعایای ایران در ممالک محروسه از انسان و حیوان، حتی مرغ و ماهی، همگی در مهد امن و امان غنوده و به دعاگویی دوام دولت ابد مدت شاهنشاه اشتغال دارند. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۶۲)

تصویر دوم از قانون نزد ایلچی، تصویر نمایندگان و کارگزاران حکومتی به عنوان قانون بود: «در این مملکت [آذربایجان] حکمران و صاحب‌اختیار منحصر به ابواب اشرف است و جمیع امور از قرار دستورالعمل و قرارداد جناب قائم مقام است.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۱۲)

اما در گفتمان دیگری قانون حاصل توافق بین شاه، اعیان، و کارگزاران، برای اصلاح امور جامعه است؛ «پادشاه انگلیس با کوبه و دستگاه... هر روز چهارشنبه، به قصر عالی اساسی جلوس نموده... امری که در مملکت لازم افتاده به شور و «کوئل» اعیان دولت صورت دهد.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۱۳۷) از فحوای حیرت‌نامه مشخص است که ایلچی تا پیش از ورود به دنیای مدرن برداشت سنتی از قانون داشته و لاجرم معنا و مفهوم قراردادی آن در ذهنیت او جایگاهی نداشته است. به همین دلیل هنگام مواجهه با پادشاه و مشاهده نظم دربار انگلستان و روسیه، در عین واقع‌گرایی تلاش می‌کند اهمیت قانون و کاربرد آن در امر حکمرانی را به صورت غیرمستقیم برای مخاطب ایرانی خود بازتعریف نماید.

۶.۱.۶ رعیت

تا پیش از ظهور مدرنیته و پیروزی انقلاب فرانسه، مفهوم رعایا یا رعیت برای مردم عامی به کار برده می‌شد که تابع فرمان دیگری بود؛ «گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک، زراعت می‌کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور» از این‌رو، رعیت به معنای تابع محض در گفتمان سنتی گفته می‌شد. «جامعه‌شناسان گروهی از افراد جامعه را که صرفاً مکلف به اطاعت از قانون باشند و حقوقی برای آنان لحاظ نشود، به عنوان رعیت یاد می‌کنند.» (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۳۴) این برداشت از رعیت و رعایا نزد نخبگان ایرانی از جمله ابوالحسن خان ایلچی در مواجهه با مدرنیته و ظواهر آن تا چه میزان تغییر کرده است؟

در ظاهر امر ویژگی اصلی رعیت در گفتمان قاجار در معنا و مفهوم فقدان مشارکت در امر حکومت‌داری و نظارت بر اجرای قانون است. ابوالحسن خان این برداشت را در مقدمه حیرت‌نامه بیان می‌کند. او معتقد است و باور دارد که سفارت او در انگلستان لطف شاهانه

به رعیت بیچاره است. (همان، ۲۱) جوانان پیرو پیران و زنان باید در خانه مستور بمانند. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۴۷) و یا «از سطوت حضرت ظل‌اللهی، رعایای ایران در ممالک محروسه، از انسان و حیوان، مرغ و ماهی، همگی در عهد امن و امان غنوده و دعاگوی دوام دولت ابد مدت شاه اشتغال دارند.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۶۴)

اما ایلچی به هنگام آشنایی با دنیای جدید و اهمیت مردم در گفتمان مدرنیته، در حیرت فرو می‌رود. خارج شدن زنان از جایگاه طبقاتی و اعتقادی سنتی و حضور در اجتماع «افواج زنان با اسبان تازی، در آن حصار به طورهای مختلف به ترکانازی مشغول بودند.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۱۶) اولین جلوه حیرت ایلچی از تغییرات اجتماعی دیگری است. نکته دوم تمرکز رعیت بر عقل معاش و ضرورت اقتباس آن در بین ایرانیان است؛ «عقل معاش اهل آن سرزمین به سرحد کمال است، و تمامی ندارد. به اعتقاد خاطر و محرر این دفتر اگر اهل ایران را فراغت حاصل شود، و اقتباس از کار انگلیس کنند جمیع امور ایشان بر وفق صواب گردد.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۲۲۱)

رعیت‌شناسی ایلچی به میزان استقلال و آزادی رعایای دیگری در برابر ارباب و صاحب‌منصبان حکومتی است. به نظر او نسبت رعایت قانون و احترام به یکدیگر در بین رعایا، جدا از نسبت ایشان با حکومت است. به عبارت دیگر، او دو نوع توافق عرفی در نسبت مردم با مردم، و توافق سیاسی بین رعایا با شخص شاه را نشان می‌دهد. این نگرش حاصل نگاه تاریخی، تربیتی، و البته تجربی او است که بعد از معرفت به کیستی رعیت دیگری پیدا می‌کند.

نکته مهم در مرحله توصیف از حیرت‌نامه، انسجام و پیوستگی مطالب موضوعی است که در تحلیل درونی متن، هم از دیدگاه بلاغت سنتی و هم در مباحث زبان‌شناسی، مورد توجه ایلچی بوده است. به گفته هالیدی که بر رویکرد توصیفی فرکلاف تأثیرگذار است؛ بین موضوع، رعایت قواعد زبان‌شناختی و گفتاری، همواره تناسب ساختاری وجود دارد: «انسجام عبارت از ابزارهای زبان‌شناختی گوناگون اعم از دستوری، واژگانی، و معنایی است که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شوند. اگر متنی بخواهد یک‌دست باشد لزوماً باید معنی‌دار، هماهنگ و خوش‌ساخت با موضوع خود باشد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۹)

بررسی متن حیرت‌نامه نشان می‌دهد که زبان، قدرت، و ایدئولوژی سه ابزاری هستند که میرزاابوالحسن خان ایلچی تلاش دارد از طریق آن‌ها ورود ارزش‌ها و ابزارهای مدرنیته به ایران را کنترل و با انتخاب خود، از استیصال گفتمان سنتی در برابر گفتمان مدرن جلوگیری

نماید. به عبارت دیگر گرچه زبان حیرت‌نامه شاعرانه، و نشانه‌شناسی آن خیال‌پردازانه و شاعرانه است؛ بافت جملات، نثر مسجع دارد و گاهی کلمات سنگین است. اما مدرنیته و ظواهر آن در کالاها و ارزش‌ها، شک و تردید انسجام یافتن آن به شکل سستی را با تردید روبه‌رو ساخته است. به زبان ساده‌تر گرچه حیرت‌نامه توصیف خیالی از واقعیات است؛ نویسنده نتوانسته است در وصف وقایع و رخدادها، مابه‌ازای سستی برای توضیح مدرنیته پیدا کند. لذا در سطح توصیف، نوعی دوگانگی گفتمانی همراه با شک و تردید و سانسور بر متن شکل گرفته است که تأثیر مستقیم بر تفسیر آن دارد.

۲.۶ تفسیر حیرت‌نامه

شاید بتوان گفت مهم‌ترین سطح یا مرحله در نگارش حیرت‌نامه، سطح تفسیر بوده است. چرا که در سطح تفسیر نویسنده مستقل از موقعیت زمانی و مکانی خود نیست. به گفته فرکلاف «باید دید که مفسرین [در اینجا نویسنده] چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۲) بنابر نظر فرکلاف در سطح تفسیر، نویسنده یا مفسر از دنیای انتزاعی زبان خارج می‌شود و مشارکت‌کنندگان در گفتمان را شناسایی می‌کند و به این سوالات پاسخ می‌دهد که «ماجرای چیست؟ چه کسانی درگیر هستند؟ روابط بین آنها چگونه است؟ نقش زبان در این میان چیست؟» (همان‌جا)

اولین سوالی که برای نویسنده، خواننده و مخاطب متن حیرت‌نامه مطرح می‌شود، فارغ از ویژگی‌ها و داستان‌های توصیفی متن، «ماجرای چیست؟» به گفته ابوالحسن‌خان ماجرا برخورد دو گفتمان است. گفتمان ایستا، سستی، گذشته‌گرا که بر مبنای تجربه تاریخی می‌خواهد یک دور تاریخی دیگر را تکرار کند. «شاید جویندگان این طریق را من بعد به کار آید. و نظر به این که غرایب بسیار و بدایع بیشمار ملاحظه و در این دفتر ثبت افتاده بود، البته سامعین و مطالعه‌کنندگان این اوراق را تعجب و تحیری بی‌اندازه دست می‌داد.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۴۸) ابوالحسن‌خان می‌پذیرد و مطمئن است که جویندگان سستی گفتمان مدرنیته در آینده خواهند آمد و به هنگام برخورد با ظواهر و متن آن متعجب خواهند گشت. پس لازم است که دیده‌ها و شنیده‌های خود را از این برخورد برای آیندگان بازگوید.

سوال دوم ابوالحسن خان و مفسران حیرت‌نامه این است که چه کسانی در این نزاع گفتمانی حضور دارند؟ ابوالحسن خان در نقش مفسر آگاه و مطمئن بر جایگاه طبقاتی و سیاسی خود به گزینش افراد درگیر می‌پردازد. مشارکین گفتمانی یا افراد درگیر را فرکلاف از نظرگاه تاریخی می‌نگرد

در تفسیر، بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و چه چیزی را میان مشارکین، زمینه مشترک و مفروض بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان‌های متون از دریچه چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۵)

در ابتدای امر به نظر می‌رسد شاه، اعیان و اشراف، سفرا و نمایندگان انگلستان و غرب، چهره‌های مختلف سنت و مدرنیته، رعایا، مجلس، قوم و قبیله همه در این نزاع درگیر هستند. اما نوآوری ایلچی در شناسایی مشارکت‌کننده جدیدی است که سابقه حضور حداقل در گفتمان سنتی ندارد. او به خوبی می‌داند که ایجاد تعادل بین سنت و مدرنیته نیازمند نهادهای جدید و واسط است تا بتواند به مرور زمان تعادل بین دو گفتمان ایجاد کند. ایلچی با اشاره به مجلس انگلستان، مشارکت‌کننده جدید را وکلای مردم می‌داند. «و خاصیت وکلا این است که همواره جانب رعیت را از دست ندهند و از راه صداقت و خیرخواهی شاه و رعیت سخن گویند.» (ایلچی، ۱۳۶۴: ۱۶۹)

نکته دیگر در مورد مشارکت‌کنندگان در نزاع گفتمانی حیرت‌نامه؛ نزاع زبانی و پنهان بین کلمات و واژگان سنتی و مدرن است که در لابه لای جملات و بندها با یکدیگر درگیر و سعی دارند، دیگری را به حاشیه بفرستند. از ابتدا تا انتهای حیرت‌نامه سه سطح از کلمات و واژگان با یکدیگر در ارتباط بوده و گاه نزاع دارند. واژگان ادبی، واژگان سیاسی و واژگان جدید که مابه ازای فارسی ندارند. این مشارکت‌کنندگان رقیب در طول متن با توجه به شرایط زمانی و موقعیت مکانی یکدیگر را از متن به کمک تفسیر نویسنده برتری می‌دهند و با به حاشیه می‌فرستند. اگر در ابتدای سفرنامه و حتی به هنگام حضور ایلچی در عثمانی ما با متنی ادبی روبرو هستیم به هنگام اقامت در انگلستان متن به آرامی تغییر می‌کند و تصویر نهادی و رسمی به خود می‌گیرد.

سومین جلوه نزاع گفتمانی بین مشارکت‌کنندگان قدرت مطلق در گفتمان سنتی و قدرت نسبی و مشروط در گفتمان مدرن است. ابوالحسن خان به هنگام مواجهه با سیستم مشروطه انگلستان در حیرت و تعجب فرو می‌رود که چگونه قدرت مطلق پادشاه به قانون

مشروط است. بنابر یافته‌های ایلچی حکمرانی پادشاه در انگلستان مشروط به رعایت قانون و در روسیه مشروط به رعایت سنت و قانون پیشینیان بر مبنای حفظ منافع ملی است. اما در ایران او به صراحت می‌گوید که از انسان و حیوان باید در خدمت شاه باشند. به عنوان مثال در مورد قانون مجری بر هزینه‌های پادشاه انگلستان می‌گوید:

شاه و شاهزاده‌ها را یک وجه خرج معین است. که به جهت خرج ذات آنها دهند. و هرخرج دیگری که بشود از مجموع سرکار دولت است. شاه و زن شاه و شاهزادگان را سالی ۴۰۰ هزار تومان برای خرج دات او و عملجات او دهند. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۱۶۹)

سوال سوم در سطح تفسیر به روابط بین مشارکت‌کنندگان در نزاع گفتمانی بازمی‌گردد. در این مرحله «روابط و مناسبات قدرت و فاصله اجتماعی و دیگر مواردی که در موقعیت مورد نظر تعیین و تثبیت شده‌اند، مطرح می‌شود. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۶) روابط مشارکت‌کنندگان حیرت‌نامه از نوع نزاع هویتی، طرد و حاشیه‌رانی معطوف به گفتگو است. به زبان ساده، نویسنده تلاش دارد با استفاده از ظرفیتهای زبان با توجه به عناصر فرازبانی نزاع بین سنت و مدرنیته که تلاش دارند یکدیگر را به حاشیه بفرستند، از طریق گفتگو رفع نماید. در اینجا است که اتهام ظاهرینی، عدم درک عمیق از تحولات پیرامونی متوجه میرزا ابوالحسن خان می‌شود. او تعلق طبقاتی به خانواده سیاستمداران محافظه‌کار ایرانی دارد و با تفسیر خوانندگان و منتقدان انقلابی بعد از خود مخصوصاً دوره مشروطه به بعد هم‌خوانی ندارد.

برداشت دیگر میرزا ابوالحسن خان از روابط درون‌گفتمانی به نسبت‌سنجی سیاست و اجتماع، و اجتماع با فرهنگ برمی‌گردد. ایلچی با توجه به تعلق فکری و کارکردی که به گفتمان سنتی دارد، با تعجب به رابطه مردم با یکدیگر و با حکومت اشاره می‌کند. احترام به قانون، تعظیم و نزاکت اجتماع و سیاست انگلستان در برابر یکدیگر مهمترین جلوه از روابط گفتمانی است که موجبات حیرت و تعجب او را بر می‌انگیزد. «اگرچه رسم آزادی در این شهر زیاده از آن است که کسی تصور تواند کرد و شاه بدون قانون بد کسی نتواند گوید. ولیکن هر جا اسم شاه برده شود همگی نهایت تعظیم می‌نمایند.» (ایلچی، ۱۳۷۴: ۳۱۹) این توصیف ابوالحسن خان از قانون در انگلستان بدون توجه به نهاد قانون‌گذاری و پشتوانه‌های مدرن تدوین قانون اساسی در این کشور است. همچنانکه در یک قضاوت به ظاهر ساده در سفرنامه دلیل السفر، آداب و رسوم اجتماعی و رعایت نظم را با حاکمیت قانون هم‌سان می‌انگارد: «قاعدها و قانون در بین ایشان بسیار است. که مادام که آدمی بیست سال در میان

آن‌ها توقف ننماید و با آنها معاشرت نکنند بلدیت کلی از آداب و اطوار ایشان نتواند.» (ایلچی، ۱۳۶۳: ۷۵)

نقش زبان در سطح تفسیر حیرت‌نامه چیست؟ فرکلاف این سوال را برای نشان دادن نسبی بودن تصویر در سطح توصیف مطرح می‌سازد. اکثر متنها و خوانندگان آن در نگاه اول زبان را مشارکت کننده برای فهم منظور نویسنده می‌دانند. حال آنکه به نظر فرکلاف زبان ابزاری در خدمت گفتمان است و استقلال از خود ندارد. «از زبان به صورت ابزاری در جهت تحقق بخشی یک هدف گفتمان یا نهادی و اداری گسترده استفاده می‌شود.» (اقاگل زاده، ۱۳۸۹: ۷) ابوالحسن خان در حیرت‌نامه «چهار کارکرد بازنمایی، دوگانه‌سازی، خطی و نام‌دهی زبان» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۴۵) را به هنگام تفسیر و نگارش نزاع‌های گفتمانی بکار می‌برد.

او در بازنمایی جهان اطراف خود به هنگام حضور در ایران، عثمانی، اروپا و انگلستان، آمریکا و هند از زبان برای بازنمایی تقابل‌های جهان سنتی و مدرن استفاده می‌کند. بیان او خطی است چرا که نمی‌تواند ویژگی‌های جهان واقعی که غیرخطی است را همان‌گونه بیان کند. لذا با اولویت بندی موضوعات و مسائل رخ داده بین دو گفتمان تلاش می‌کند تصویری از دو گفتمان برای مخاطب فارسی زبان خود بیافریند. این تصویر خطی نزد منتقدین اکثراً بدون عمق، ظاهر‌گرایانه و وابسته به غیر تفسیر شده است. مقدمه مصحح حیرت‌نامه و یا دیگر تحقیقات صورت گرفته با موضوع سفرنامه‌های ایلچی تصدیقی بر این مدعا هستند. در مجموع می‌توان گفت معرفت به خودی و دیگری در سطح تفسیر مسائلی را مطرح می‌سازد که هنوز بعد از نزدیک به دو قرن از نگارش حیرت‌نامه جامعه و سیاست ایران به آن دچار است.

۳.۶ تبیین حیرت‌نامه

فرکلاف در مرحله تبیین، عمق تحولات اجتماعی و فرهنگی را مد نظر دارد که باعث تغییرات سیاسی می‌شود. به گفته فرکلاف «درحالی که تفسیر، چگونگی بهره جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد؛ تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵) این سطح از تحلیل انتقادی گفتمان حاکم بر حیرت‌نامه چه مولفه‌هایی را عیان می‌سازد تا پرده از ادعاهای سیاسی حاکم بر نزاع‌های بین سنت و مدرنیته کنار رود؟

در سطح تبیین، نویسنده و مخاطب و خواننده باید از توصیف و تفسیر زیان و فرازیان گذر کنند و به عمق تحولات اجتماعی بپردازند. ابوالحسن خان در این سطح چون فردی آگاه از تحولات و تغییرات دست به قضاوت درباره شرایط موجود می‌زند.

ابتدا تا انتهای حیرت‌نامه صحبت از تأثیر دال برتر و نقش آن در حفظ وضعیت موجود یا تغییر آن است. نوع ابراز نظر و نتیجه گرفتن درباره شخصیت و رفتار پادشاه و چگونگی سیاست‌ورزی او، در سفرنامه‌های ابوالحسن خان نشان می‌دهد که خلاف ظاهر متن، ایلیچی قائل به تقلید کورکورانه حاکمیت ایران از غرب نیست. او در این جا علاوه بر نقش یک کارگزار حکومت به‌عنوان عضوی از اجتماع با سنگ محک پادشاه دیگری، پادشاه خود را می‌سنجد و به او اعتبار می‌دهد. او تأکید دارد که نظام شاهی باید اراده حفظ خود در برابر دیگری را حفظ کند.

به‌عنوان مثال، قضاوت ابوالحسن خان در مورد جایگاه پادشاه در سیستم سیاسی انگلستان، متمرکز بر کارکردهای او یعنی همراهی با اکثریت، ملاحظه خرج مملکت، صداقت و خیر رعیت است:

ملاحظه کثرت کند؛ چنان‌چه هر طرف جمعیت ایشان به شماره بیش‌تر است قول‌شان اقوی و رجحان دارند و در خصوص داد و ستد ایام گذشته در هر امری دقت کنند و ملاحظه جمع و خرج مملکت نمایند که مبادا دیناری بر رعیت نقصان رسد و تا همگی وزرای متفق نگردند، دیناری از رعیت نگیرند و نه بر رعیت رسانند و خاصیت و کلا این است که همواره جانب رعیت را از دست ندهند و از راه صداقت و خیرخواهی شاه و رعیت سخن گویند و شاه تواند که هر وقت خواهد پارلمان را موقوف دارد. (ایلیچی، ۱۳۶۴: ۱۶۸)

سوالی که در سطح تبیین حیرت‌نامه مطرح می‌شود آن است که گفت‌مان‌های حاضر در سطح زبانی و فرازبانی به کدام فرایندهای نهادی تعلق دارند؟ ابوالحسن خان ایلیچی در حیرت‌نامه به کارکرد نهادهای سنتی حاکم بر ایران در برابر نهادهای مدرن نگاهی تردیدآمیز دارد. او در نگرش نهادی و سنتی خود تلاش دارد خود را از دیگری برتر انگارد و استقلال هویت خویش را به رخ بکشد. این نگاه ایلیچی به خودی برمبنای مشروعیت اسطوره‌ای، دینی، و تاریخی است. چنان‌که در قبال هرج و مرج شهرهای عثمانی، خطاب به حاکم «ینگ حصار» می‌گوید:

الحمد لله اهل ایران از فرط الطاف اعلی حضرت شاهی و از سطوت حضرت ظل الهی رعایای ایران در ممالک محروسه از انسان و حیوان، حتی مرغ و ماهی، همگی در مهد امن و امان غنوده و به دعاگویی دوام دولت ابد مدت شاهنشاه اشتغال دارند. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۶۲)

در این اظهار نظر ابوالحسن خان بین ملیت، امنیت، و نظم با طبیعت سیر می کند که عامل اصلی آن الطاف الهی پادشاه و زندگی در سایه ظل الهی است که از انسان تا حیوان تسری پیدا کرده است.

هم چنین ابوالحسن خان به دلیل حضور در انگلستان پیش از دیگران با دنیای غرب و مدرنیته آشنا بود، اما نگاه سستی برای پذیرش وضعیت موجود در اندیشه او امری ثابت و پایدار است و آن را به درایت ولی عهدی چون عباس میرزا و وزارت قائم مقام تسری می دهد؛ «در این مملکت [آذربایجان] حکمران و صاحب اختیار منحصر به ابواب اشرف است و جمیع امور از قرار دستورالعمل و قرارداد جناب قائم مقام است.» (ایلچی، ۱۳۶۱: ۱۲) مطالعه حیرت نامه نشان می دهد که از نظر نویسنده نهادهای سستی توان هضم تحولات و تغییرات جدید را دارند؛ اما قدرت نهادی رقیب را می پذیرد و به مخاطب سستی خود گوش زد می کند که رسم حکمرانی باید تغییر کند:

نسق و ترجمان، کشتن و زدن و بستن، در میان ایشان قاعده و قانون نیست... هرگاه از اهل ممالک محروسه هرکس خواه بزرگان یا اواسط الناس خواه مطلق عوام، مرتکب امری سوای قتل و سرقت مال غیر شود و ان امر خلاف قاعده و قانون آنان باشد و مستحق تنبیه باشد بدون زدن تازیانه او را روانه سبیری نمایند. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۱۷۵)

سوال دوم در سطح تبیین که می توان با استفاده از متن حیرت نامه به آن پاسخ داد این است که «نهادهای جدید به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند؟» ایلچی این سوال را در قالب گفتمان مدرن پاسخ می دهد. گرچه کلمات و واژگان مورد استفاده او هنوز سستی است و از عمله و رعیت صحبت می کند؛ تأسیس نهادهای جدید را به ضرورت تغییر در بدنه اجتماع مشروط می سازد. در مجموع، فهم و درک قانون و حاکمیت نهادهای جدید برای ایلچی در حیرت نامه سه وجهی است. به این معنا که تعامل جامعه، دولت، و حاکمیت را ضرورت حضور در دنیای جدید می داند.

به نظر ابوالحسن خان در حیرت نامه، نهادهای برخاسته از قرارداد اجتماعی قانون اساسی، مجلس و نمایندگان هستند که خلاف گفتمان سستی، خود را در خدمت

عامه مردم و نه شخص شاه می‌دانند. به زبان ساده‌تر، گرچه دولت و پارلمان به خدمت‌گذاری رعایا مشغول هستند؛ این مهم نه به دلیل وظیفه‌ای است که وکیل و وزیر دارد و یا حق رعایا، که اجرای قانون است. «وکلاء علاوه بر ملاحظاتی که در جمع و خرج مملکت می‌نمایند، از طرق دیگر نظیر اعلان جنگ و تعیین مالیات، نقش مهمی در زندگی رعیت و اداره مملکت ایفا می‌کنند». ثبت و پخش منازعات و کلا به‌منظور آگاهی‌بخشی به رعیت، از تصمیم‌های اتخاذ شده در درون پارلمان برای ابوالحسن خان بسیار جالب‌تر است:

دو نفر نویسنده در هر خصوصی، آنچه آن دو منازع می‌گفتند بیشتر می‌نمودند و این برای آن بود که هر روزه در این پنج، شش ماه، هر جواب و سؤال که می‌شود، در پارلمان هر روزه چاپ شده، خلق الله همگی مطلع شوند، آخر هر تقریری به شماره قرار می‌گیرد. (ایلچی، ۱۳۶۴: ۳۰۸)

توضیحاتی که ابوالحسن خان بر اساس معرفت به اجتماع و نهادهای جدید برآمده از آن در گفتمان دیگری در برابر گفتمان خود ارائه می‌دهد، نخستین اطلاعات، در زمینه نقش فلسفه و اجتماع مدرن است که از نخبگان ایرانی دوره اول قاجار انتظار می‌رود. فهم و درک ایلچی و دیگر نخبگان سیاسی وابسته به دربار از مفاهیمی چون شاه، هویت، رعیت، و قانون، تحت تأثیر تردیدی قرار داشت که در این مقطع زمانی، تابع برداشت سستی از نسبت بین اجتماع و سیاست بود و در سه سطح توصیف و تفسیر و تبیین و براساس باورها و اعتقادات شخصی، نظام تربیتی، و آگاهی‌های نوین به گفتمان مدرن شکل می‌گرفت؛ به زبان ساده‌تر، این اطلاعات به‌همراه سایر گزارش‌ها و اطلاعات تکمیلی دیگر سفرنامه‌نویسان ایرانی از جمله میرزا صالح شیرازی و نیز سفرنامه‌نویسان غربی از وضعیت اندیشه و تفکر در این مقطع تاریخی، نحوه آشنایی نویسنده با روابط اجتماعی و سیاسی جامعه خود و دیگری را آشکار می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

گزارش‌هایی که ابوالحسن خان ایلچی در حیرت‌نامه از وضعیت ایران و غرب ارائه می‌دهد در ابتدا میزان آگاهی نخبگان ایرانی از وضعیت خود و دیگری را نشان می‌دهد. ابوالحسن خان در هنگام شروع سفر به انگلستان یکسره در ساحت سستی قدرت - دانش

ایرانی می‌اندیشد و سیاست و اجتماع در نظر او تابع نظم سنتی است. برداشت‌های او از نظام سیاسی و اجتماعی کشورهای که از آن‌ها عبور کرده همانند عثمانی و انگلستان و روسیه و شهرها و روستاهایی که از آن‌ها گذشته، در چپه مناسبی برای ترسیم اولین برخورد‌های نخبگان سیاسی ایران با مدرنیته است. معرفت و شناخت خودی در سطح توصیف بر اساس پذیرش پیش‌فرض‌هایی است که در نظام فکری سنتی ایران آموزش داده می‌شد؛ یعنی پذیرفتن وضعیت موجود. اما ابوالحسن خان نظاره‌گر صرف نیست؛ بلکه از پیشرفت امور، نظم و قانون، حتی هرج و مرج و ناامنی متحیر می‌شود. در مواجهه با تظاهرات مردم انگلستان تعجب می‌کند و زمانی که فلسفه آن‌را در قالب آزادی درک می‌کند، در مخالفت با آن از شوکت پادشاهی سخن می‌گوید. اهمیت دیگر حیرت‌نامه در سطح تفسیر و تبیین او نسبت به خودی و دیگری است. در واقع سطوحی که تاکنون کم‌تر به آن اشاره شده است. او مردم، پادشاه، قانون، و هویت ایرانی را در سراسر سفرنامه می‌ستاید و از استقلال آن در برابر دیگری حداقل در مورد ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی دفاع می‌کند. بیش‌تر اتهاماتی که علیه سفرنامه‌های ابوالحسن خان مطرح می‌شود مرتبط به گزارشاتی است که در توصیف ظواهر امور و یا تعجب و حیرت از آن‌ها بیان می‌شود. در صورتی که لایه اصلی سفرنامه‌ها و هدف اصلی نویسنده، توجه دادن خواننده به دریافت شرایط روز و تصمیم‌گیری برای تغییر آن با توجه به ظرفیت‌های خودی و اقتباس تجربیات و نه ارزش‌های دیگری است.

کتاب‌نامه

- ایران‌نژاد، محمد (۱۳۹۴). «قدرت و امر سیاسی در نظریه‌های تحلیل گفتمان»، فصل‌نامه سیاست‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۴.
- ایلچی، میرزا ابوالحسن خان (۱۳۶۴). *حیرت‌نامه*، تصحیح حسن مرسل‌وند، تهران: رسا.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و دیگران (۱۳۸۹). «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده خواهران اثر جیمز جویس»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، شماره ۳، صص ۱-۲۴.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران*، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: گلشن.
- پروین، مریم (۱۳۸۹). «غرب از دیدگاه سفرنامه‌نویسان ایرانی»، *فصل‌نامه یاد ایام*، شماره ۵۵.

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸). «حکومت و رعایت درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام»، دوفصل‌نامه دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱۰، صص ۶۷-۴۱.
- جونز، سرهارفورد (۱۳۸۶). *روزنامه سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ثالث.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸). *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتنبرگ.
- رایت، دنیس (۱۳۹۹). *ایرانیان در میان انگلیسی‌ها*، ترجمه کریم امامی، تهران: نشر نو.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۷). *میرزا ابوالحسن خان ایلچی*، تهران: علمی فرهنگی.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*، جلد ۱، تهران: سپهر.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی)*، تهران: نی.
- صفا، جمشید (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی و جیمز موریه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۶). *دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- طحان نظیف، هادی و رضا احسانی (۱۳۹۶). *خوانشی نواز دیدگاه‌های تحلیلی نسبت به مفهوم قانون در عصر مشروطه*، فصل‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۴۵، صص ۵۷-۸۰.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۹). *زندگینامه و شرح حال وزرای امور خارجه*، تهران: وزارت خارجه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *زبان و ایدئولوژی*، ترجمه ذوالقدر مقدم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). *سفر زمستانی*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات توس.
- مرسل‌وند، حسن (۱۳۶۴). *تصحیح حیرت‌نامه ابوالحسن خان ایلچی*، تهران: رسا.
- مرکز مال‌میری، احمد (۱۳۸۵). *حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- نیاریکی، تقی صوفی (۱۳۸۳). *گزارش فرنگ: نگاهی به اولین سفرنامه‌های نوشته شده در ایران*، مجله زمانه، سال سوم، شماره ۲۴.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپ لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.